

نقش زن در احکام مبادله مادیان هزاردادستان

زهرا حسینی^{۱*}، مهشید میرفخرایی^۲

چکیده

مادیان هزاردادستان (mādayān ī hazār dādestān) یا «مجموعه هزارفتوی» تنها نسخه خطی ناقصی از چندین مجموعه حقوقی دوره ساسانیان در دست است. اطلاعاتی از زندگی جمع آورنده آن، فرخ مرد وهرامان (فرخ مرد پسر بهرام)، نداریم. احتمال می‌رود کتاب در اصل در دوران پادشاهی خسرو پرویز، آخرین پادشاهی که نامش در کتاب آمده، تألیف شده باشد. این گفتار به بررسی اصطلاح حقوقی «gōhrēn kardan» گوهرین کردن، معاوضه کردن» از «مجموعه هزارفتوی» می‌پردازد. گوهرین و گوهرین کردن در سه دادستان (=حکم) این کتاب ارزشمند حقوقی به کار رفته است. با بررسی این سه حکم، این اصطلاح حقوقی تفسیر می‌شود. ضمن پیگیری قانون و مسائل حقوقی ایران دوره ساسانی، کارکرد حقوقی گوهرین کردن را پدیده جدیدی در خانواده می‌بینیم. نقش زن در این مبادله تجاری، بیانگر حضور جدی او در عرصه اجتماعی-اقتصادی است که در جهت استحکام خانواده پیش می‌رود.

کلیدواژگان

ساسانیان، گوهرین، مادیان هزاردادستان، مبادله کالا، نقش زن.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، تهران، ایران
hosseini_z90@yahoo.com
۲. استاد دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
mahshidmirfakhraie@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۲

مقدمه

مادیان^۱ هزار^۲ دادستان، به معنای «مجموعه هزارفتوی» تنها نسخه خطی ناقص موجود از چندین مجموعه حقوقی دوره ساسانیان، در نیمه نخست قرن هفتم میلادی، گردآوری شده است؛ اثری ارزشمند که دری از نظام حقوقی دوره ساسانیان را به روی ما می‌گشاید. این کتاب اصطلاحات حقوقی بسیاری را دربردارد که بیانگر نظام حقوقی کارآمد و تجربه‌شده ایران باستان در قرون متمادی است. آرای دعاوی حقوقی فقها (رایمندان) بیشتر با قوانین مدنی مانند برده‌داری، وام و ضمانت، حدود اختیارات پیشه‌سالاران، طلاق، ازدواج‌سالاری، قیمومت، مصادره، گرو و رهن، وقف و موقوفات، ادای دین متوفی، شریک و شراکت، گروگیری (= مصادره)، بخشش (= هبه)، احکام مبادله، تقسیم ارث، وکالت و اجاره، فرزندخواندگی و... مرتبط است. از این نظر برای مطالعه وضع اجتماعی و قوانین حقوقی دوره ساسانی بسیار مهم است.

در این کتاب احکام، فتوی و اسنادی وجود دارد که در دعاوی و دادرسی‌های حقوقی صادر شده است؛ یعنی حقوق مدون نیست که قانونگذار آن را تدوین کند و برای اجرا در اختیار داوران و دادگاه‌ها قرار دهد، بلکه مجموعه تصمیمات داوری در دادگاه‌ها نوشته می‌شد تا در موارد مشابه حکم داوران با استناد به آن صادر شود؛ مانند دادستان‌نامه (= نوشته حقوقی)، سخن‌نامه (= اظهارات)، و... .

درواقع، مادیان هزاردادستان مجموعه‌ای از قوانین حقوقی-برگرفته از پرونده‌های دادرسی‌شده- را دربردارد. چنین اطلاعاتی گردآوری می‌شد تا به‌منزله کتاب راهنما در دادرسی‌های حقوقی به‌کار رود. برای این هدف لازم بود نه‌تنها مسائل و آرای داوران انتخاب شود، بلکه مورد استناد آن آرا و قضاوت نیز مشخص شود. مسلماً این کتاب راهنما باید به منابع معتبر استناد می‌کرد تا از اعتبار و منزلت ویژه‌ای در دادرسی‌های قضایی برخوردار باشد. در مجموع، نظام حاکم بر مادیان هزار دادستان نظامی است ترکیبی از:

۱. مجموعه قوانین شرعی؛
۲. موضوعاتی که فرمانروایان بنا بر نیاز حکمرانی مطرح می‌کردند و قضات این موضوعات را با مقررات و قوانین شرعی تطبیق می‌دادند و احکام منطبق با شرع و خواست فرمانروا را اعلام می‌کردند؛
۳. احکامی که در دادرسی‌ها صادر می‌شدند.

این روند صدور حکم جزء سابقه قضاوت مطرح بود و به‌منزله منبعی موثق و قابل استناد حکم قانون محسوب می‌شد و در صورت لزوم با استناد به آن احکام، داوران به قضاوت می‌نشستند.

۱. برحسب سنت کلمه نخست عنوان را ماتیکان یا مادیگان می‌خوانند [ص ۳۸].

۲. این کتاب هزار قضیه حقوقی را دربردارد و عدد هزار در مفهوم «بسیار» به کار رفته است [همان].

در این نظام، فرقی میان قوانین شرعی و قوانین برگرفته از موضوعات فرمانروایان دیده نمی‌شد. احکام صادرشده در دادگاه‌ها نیز به‌منزلهٔ رویهٔ قضایی مطرح می‌شد و اعتبار آن به اندازهٔ قوانین شرعی مورد استناد بود.

مؤلف در مقدمهٔ کتاب، خود را فرخ‌مرد بهرامان معرفی می‌کند، اما به علت افتادگی هیچ اطلاعاتی دربارهٔ او و زمان زندگی‌اش در برگ‌های باقی‌مانده پیدا نشده است. احکام موجود نشان می‌دهد که او حقوقدان بوده و این مجموعه را نیز برای حقوقدانان نوشته است و توضیحی برای اصطلاحات حقوقی و پیچیدهٔ آن نمی‌دهد.

فرخ‌مرد ظاهراً در پارس زندگی می‌کرده و بیشترین نام‌جای‌های ذکرشده در کتاب در این استان مشخص می‌شود (استان اردشیرخوره)، و مسکن اصلی او به نظر می‌رسد شهر گور- فیروزآباد کنونی- باشد. اشاره به دو شهر «xabr خبر» (انکلساریا ۱۳/۱۹-۱۶) و «kuwār کُوار» (انکلساریا ۲/۲۰-۵) مرتبط با تعهدات به این امر قوت می‌بخشد. ارجاعات او به شخصیت‌های تاریخی، به‌خصوص فرمانروایان آن و همچنین اسناد تاریخی که در بایگانی و دادگاه‌های گور نگهداری می‌شده است، تعیین دوره‌ای را که او کار می‌کرده و کتاب قانون را می‌نوشته، امکان‌پذیر ساخته است.

آخرین سندی که در بخش‌هایی از متن ذکر شده است، موضوع فرمانی است که در سال ۲۶ پادشاهی خسرو اورمزدان/ خسرو پرویز (۶۱۵ میلادی) صادر شده است. در نتیجه، کتاب *هزارقضاوت* باید در سال ۶۲۰ میلادی نوشته شده باشد و گردآورنده فرخ‌مرد، پسر بهرام، شهروندی از شهر گور در استان اردشیرخوره معاصر با خسرو پرویز (۵۹۱-۶۲۸) بوده باشد.

افزون بر این، فرخ‌مرد به یک‌سری از مقررات رسمی ساسانی به‌مثابهٔ قوانینی اشاره دارد که هنوز به‌کار می‌رود؛ این رویه نمی‌توانسته پس از سقوط پادشاهی ساسانی آشکارا به قوت خود باقی بماند. دست‌نویس متن خواناست. اما زبان دشوار است و پر از اصطلاحات تخصصی که برای حقوقدانان دورهٔ خود آشناست. قوانین متناقض در آن دیده می‌شود؛ قوانینی که شخصیت حقوقی برای زن قائل نیست.

اختلاف و تشتت آرا در میان فقها کم نیست. با وجود این، قانون‌گذارانی هستند که نه‌تنها به شخصیت حقوقی زن ارجح می‌نهد، بلکه نهایت توان خود را به‌کار می‌بندند تا جایگاه زن را به همسری و همراهی مرد برسانند. آنان کوشیده‌اند زن را از اقتدار پدرسالاری و شوهرمحوری به در آوردند؛ تا جایی که زن در عرصهٔ اقتصادی به‌عنوان معتمد و نمایندهٔ همسر، فعال باشد.

زن ایرانی در قرن ششم، در کانون زناشویی، از نظر اقتصادی مقامی برگزیده دارد. این پیروزی ثمرهٔ مبارزه‌ای چند هزار ساله است. [۱۳، ص ۱۱۰].

زنان توانایی‌های خود را در خانواده اثبات کردند. فقها، با وضع قوانین، فرصت حضور آن‌ها را در جامعه فراهم کردند و زنان به حقوق اجتماعی خود علاقه‌مند شدند.

سه حکم در مادیان هزاردادستان درباره «گوهرین کردن»^۱ موجود است؛ دو حکم آن زن را یکی از ارکان اصلی این مبادله تجاری قرار می‌دهد. وجود این احکام نشان می‌دهد مقاومت و پایداری زنان و توجه عالمانه فقها سبب این اصلاح شده است؛ اصلاحی که وضع قوانین آن را در جهت رفاه خانواده پیش‌بینی می‌کند نه در جهت طغیان زن علیه مرد.

این گفتار بر آن است که اصطلاح حقوقی گوهرین کردن را از مجموعه «هزارفتوی» شرح دهد و نکات حقوقی، اجتماعی و اقتصادی آن را دریابد، اما نقش زن در این امر حقوقی-اقتصادی آن قدر مهم است که نمی‌توان به تفسیر این اصطلاح جدا از بیان توانمندی‌های زن دوره ساسانی پرداخت.

پس این سؤال مطرح می‌شود که آیا کارکرد حقوقی مبادله پدیده جدیدی در خانواده ایرانی دوره ساسانی بوده است و آیا زن در این امر نقشی داشته است؟

با توجه به احکام حقوقی دوره ساسانی، کارکرد مبادله در خانواده پدیده جدیدی بوده و زن نیز نقش بسیار مؤثری داشته است. زن، در حوزه تجارت، ایفاگر نقشی است که باید توأم با خلایقیت باشد. معاوضه‌گر باید پیوسته از نیاز بازار خبر داشته باشد؛ تا بداند تعویض چه کالایی در چه موقعی می‌تواند سودآور باشد و هزینه‌های مبادله سود را تحت‌الشعاع قرار ندهد.

به دلیل آگاهی‌های مختصر که از این سه حکم به دست می‌آید، واقعاً مشخص نیست که حقوق قراردادها چگونه به کاهش هزینه‌های مبادله منجر می‌شده است. اما چیزی از ارزش‌های این احکام گرانبها کم نمی‌کند، زیرا سخن از امر تجاری مبادله است که با ابتکار زنان توانمند روند آن تسهیل شده است.

این گفتار از نوع نظری و با روش تاریخی تحلیلی صورت پذیرفته است و هدف آن نیز، تبیین کارکرد حقوقی مبادله و نقش زن در مسائل حقوقی دوره ساسانیان بوده است. همچنین، با توجه به فقدان پژوهش جدی در این زمینه، ضرورت پرداختن به آن نیز آشکار می‌شود.

بلسارا، دانشمند پارسی هند، نخستین ترجمه انگلیسی مادیان هزاردادستان را در سال ۱۹۳۷ انجام داد [۱۹]. ترجمه او به‌منزله نخستین پژوهش بسیار باارزش و راهگشا بوده است. دومین ترجمه کامل را آناهید پریخانیان روسی در سال ۱۹۷۳ انجام داده است [۲۵]. او از دانشمندان زبان‌شناسی است که در ارتباط با سازمان‌های اداری و اجتماعی دوره اشکانیان و ساسانیان تحقیقات بسیاری را انجام داده است. ترجمه انگلیسی نینا گارسویان از کتاب پریخانیان در سال ۱۹۹۷ در آمریکا به چاپ رسید [۲۶]. سومین ترجمه در سال ۱۹۸۱ انجام شد. ماریا ماتسوخ چهل صفحه ویراسته انکساریا را به زبان آلمانی ترجمه کرد.

۱. kardan göhrēn: گوهرین کردن، معاوضه کردن

معاوضه: عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی را می‌دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند، بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین، مبیع و دیگری ثمن باشد (ماده ۴۶۴ ق.م.، ۶، ص ۶۶۸).

نخستین ترجمهٔ فارسی مادیان هزاردادستان را مرحوم رستم شهزادی، به نام حقوق مدنی ساسانیان، در سال ۱۳۶۵ منتشر کرد [۸] و در سال ۱۳۹۱ سعید عریان دومین ترجمهٔ فارسی این کتاب را به چاپ رساند [۹].

دانشمندان یادشده، این اثر را ترجمه کرده‌اند، ولی به‌طور تخصصی دربارهٔ اصطلاح حقوقی «گوهرین کردن» مقاله‌ای را به چاپ نرسانده‌اند.

کریستین بارتلمه نیز مقالاتی دربارهٔ «زن در حقوق ساسانی» نوشته و شمار درخور توجهی از احکام را بررسی و شرح داده است، اما به «گوهرین کردن» اشاره‌ای نکرده است [۴].

علی کاکاافشار، وکیل پایهٔ یک دادگستری، نوزده مقاله دربارهٔ مادیان هزاردادستان دارد. در یکی از مقالات خود به این اصطلاح حقوقی اشاره‌ای داشته است: «گوهرین کردن یعنی مبادله کردن، یعنی گوهر در برابر گوهر یا چیزی را در برابر اصل یا گوهر آن چیز دادن و گرفتن. و اصطلاح امروزی گوهرین کردن را تاخت‌زدن معنی کرده است» [۱۱، ص ۲۰۱]؛ یعنی ایشان این اصطلاح را به‌درستی شناخته‌اند و فسخ سه‌شبه را در این معامله توضیح داده‌اند. اما به بررسی احکام مبادله به‌طور ویژه نپرداخته‌اند.

به دلیل دشواری زبان کتاب، شناخت تأثیر تحولات اجتماعی و پایداری زنان برای رسیدن به حقوق واقعی خود در روند تغییر احکام بسیار مشکل است. این گفتار موضوعی نو و مستند را از دورهٔ ساسانیان ارائه می‌کند که تاکنون به آن پرداخته نشده است. بررسی اصطلاح حقوقی گوهرین کردن در مادیان هزاردادستان، نخستین پژوهش با استناد به احکام موجود در این کتاب ارزشمند حقوقی است. دست‌نویس این متن به خط و زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) است. ابتدا آوانوشت، سپس برگردان فارسی آن نوشته شده است.

گوهرین

gōhr+īg: صفت نسبی، به معنای جانشین، به‌جای.
در نوشته‌های پهلوی بیشتر صورت «gōhrīg» به‌کار رفته است و به معنای «درعوض، به‌جای، مبادله کردن، جابه‌جا کردن»^۱.

۱. شواهدی از متون دیگر فارسی میانه:

...kē wāzag ī nē dānēd rāy gōwēd kū dānēm ē goy wāzag gōhrīg rāy 1000 [۱۶] wāzag ī dānēd az-iš bē šawēd. (Mirfakhraie, 1393, p63)

کسی که سخنی را نمی‌داند، بگوید که «می‌دانم»، پس در عوض آن سخن، هزار سخن را که می‌داند، از او دور شود. (36.28) u-š wāspuhrīgān hunsand kard menišn ī āhōgēnīd zīndagān pad gōhrīg weh-iz ī az anāgīh ēn ōh-iz hunsand pad marg... (Dehaghi, 1998, p120) [۲۰]

او به‌ویژه اندیشهٔ آشفتهٔ زندگان را با تبادل پاکی در مقابل ناپاکی خرسند کرد و همانا این سعادت از طریق مرگ هست...

و نیز ساخت اسمی «gōhrīgānīh» از این صفت در مادیان (ص ۱۰۲، س ۴) به همین معنا دیده شد.

gōhrēn - در اصل ماده سببی از «gōhrēnīdan: گوهرینیدن» به معنای «عوض کردن» معادل «gōhrēn kardan» است.

گوهرین کردن

در نخستین حکم مادیان هزاردادستان (ص ۳۷، س ۲-۱۰) اصطلاح حقوقی «گوهرین کردن» به منزله نوعی معامله تجاری و اقتصادی مطرح می شود.

قانون گذار در آن سه شخصیت حقیقی را در امر حقوقی گوهرین کردن (gōhrēn kardan)، وارد می کند. در این مثلث تجاری، زن نقش تأثیرگذاری در مسائل اقتصادی ایفا می کند. حضور زن در گوهرین کردن به عنوان فعال اقتصادی در جامعه از نکات روشن و درخور توجهی است که در دوره ساسانیان به ظهور رسیده و ثبت شده است.

ka šōy ō zan gōwēd kū gōhrēn kun zan (3) gōhrēn ī rāst pādixšāy kard (MHD 37.2-3)

اگر شوی به زن بگوید که <این چیز را> گوهرین (= مبادله) کن، زن مجاز است مبادله برابر کند.

این معاوضه یا مبادله می تواند معاوضه پول یا کالا و حیوان یا هر دارایی قابل تعویض و مبادله دیگری باشد. شوهر می تواند اختیار تام گوهرین کردن را به زن بدهد. بنابراین، او می تواند به عنوان نماینده شوهر به امور اقتصادی بپردازد.

ka frašagird frazāmēnīd kāmēnd... pad gōhrīg hōm ān ī zindakkar, ī ast «hōm ī spēd» ī āndar zrēhān, kē-š murdagān padiš zindag ud zindagān padiš a-marg bawēnd. gōhrīg sīr, ī «gāw ī hadahyōš» ī andar drubuštīh-ē ayōšust pad sālārīh ī gōbadšāh pādag. gōhrīg ātaxš, wuzurg ātaxš ī zīndag dāštār ī gyānwārān. gōhrīg yašt, yazīšn stāyīšn ī abar frašagird-kardārīh ī wehīh paydāgīhā [۲۵۵-۲۴۵ص، ۷]

هنگامی که فرشگرد را فرجام دادن خواهند... به جای هوم، آن که زنده گر است، هوم سپید که در دریاهاست، که مردگان با آن زنده و زندگان با آن بی مرگ باشند. به جای شیر، شیر «گاو هدیهوش» که در بارویی فلز <ی> به سرداری گویدشاه نگهداری شده است. به جای آتش، آتش بزرگ زنده دارنده جانوران. به جای یش، ستایش <و> یزش بر فرشگرد کرداری که نیکی آشکار است.

...ham gōnag a-paydāg kardan ud gōhrīg adādīhā kard<an>... [۵۰ص، ۲]

همان گونه ناپیدا (= پنهان کردن) (سرمایه)، مبادله کردن (سرمایه) برخلاف قانون...

نک: [۲، ص ۱۰۹؛ ۱۵، ص ۵۵۶؛ ۱۶، ص ۶۴؛ ۲۱، ص ۵۶؛ ۲۶، ص ۳۶۲-۳۶۳].

۱. gōhrēn: از فعل gōhrīdan: گوهریدن، معاوضه کردن، چیزی را به چیزی عوض بدل کردن [۱۰، ص ۱۷۸].

ud ka šōy nē guft ēstēd pad 4 bahr ē-bahr pad (4) šōy nirmadtar pādixšāy kardan. (MHD 37.3-4)

اما اگر شوی <این را> نگفته باشد، <آن‌گاه زن> مجاز است با یک‌چهارم سود <مبادله را> از طرف شوی انجام دهد.

اگر شوهر به زن مجوز نداده باشد که گوهرین کند، باز هم زن می‌تواند به امر مبادله بپردازد. در واقع، قانون به زن این اجازه را می‌دهد که در عرصهٔ اقتصادی حاضر باشد.

ud ka frāy kū pad 4 bahr ē-bahr az wēš pad ān ī az wēš (5) duz čē gōhrēn ēdōn pādixšāy kardan ka frāy kū 4 ēk az wēš nēst. (MHD 37.4-6)

اما اگر <سود مبادله> بیشتر از یک‌چهارم <ارزش آن چیز> باشد، برای <آن مقدار> بیشتر دزد است. چه مبادله این‌گونه جایز است که <سود> بیشتر از یک‌چهارم <ارزش آن چیز> نباشد.

سود بردن بیش از نرخ مصوب، مؤاخذهٔ قانونی در پی دارد. تصویب حداکثر سود تجاری معاوضات یک‌چهارم دارایی (= ۰.۲۵) است.

پس از مشخص کردن سود معاوضات، قانون‌گذار فسخ گوهرین/ معاوضه را نیز پیش‌بینی می‌کند:

*ziyānag (6) abāz nē pādixšāy ēstād.
ān kē gōhrēn abāz hamē kunēd <andar> 3 šabag abāz pādixšāy (7) ēstād
paydāg kū ka mard-ē ō kas-ē gōwēd kū gōhrēn kun ān kē awiš gōwēd (8)
gōhrēn ī rāst pādixšāy kardan ud andar-iz 3 šabag abāz nē pādixšāy ēstād
(MHD 37.6-9).*

<زن> مجاز نیست <از مبادله> باز ایستد/ منصرف شود.

اما کسی که با <زن> مبادله می‌کند مجاز است در مدت سه شبانه روز^۱ باز ایستد (= از مبادله منصرف شود).

آشکار است که اگر مردی به کسی گوید که <این چیز را> مبادله کن، به آن‌که می‌گوید (=مخاطب) مجاز است مبادلهٔ برابر کند و مجاز نیست در مدت سه شبانه روز <از مبادله> باز ایستد (=منصرف شود).

چنانچه کسی اجازهٔ معاوضه به فرد دیگری بدهد، دیگر مجاز نیست در مبادلهٔ انجام‌شده دخالت کند و آن را فسخ کند.

ud ēn- <iz> kū (9) ān kē ōy kas pad gōhrēn kardan pādixšāy kunēd andar 3 šabag pādixšāy <abāz> ēstād (10) ōh abāyēd uskārdan (MHD 37.9-10).

۱. فسخ سه شبانه‌روز، با «خیار حیوان» در قانون مدنی امروز مشابه است.
خیار حیوان: (مدنی- فقه) اگر مبیع حیوان باشد، مشتری از حین عقد تا سه روز اختیار فسخ عقد را دارد (مادهٔ ۳۹۸، قانون مدنی) [ص ۲۶۸].

و نیز درباره اینکه آیا آن که کسی را مجاز به مبادله می‌کند می‌تواند در مدت سه شبانه‌روز پس از مبادله باز ایستد (=منصرف شود) باید بررسی شود.

در پایان، قانون‌گذار دقت و بازنگری در مورد حکمی را اعلام می‌کند که به اختیاردهنده (شوهر) اجازه فسخ معاوضه/ گوهرین را در فرصت سه شبانه‌روز نمی‌دهد.

در دومین حکم گوهرین کردن، قانونی بیان می‌شود مبنی بر اینکه چنانچه زن در غیاب شوهر معاوضه‌ای را انجام دهد و در مهلت سه شبانه‌روزی حق فسخ زن، شوهر حاضر شود و آن معاوضه را تأیید کند، پس از پایان آن مهلت، معامله از نظر قانونی رسمیت می‌یابد.

*dād- farrux ī farrux-zurwān bōzišn ēk ēn guft (4) kū ka zan gōhrēn kunēd
šōy andar 3 šabag ī zan rasēd u-š abar (5) ēstēd ka 3 šabag ī zan šawēd
<gōhrēnīd>be bawēd. (MHD A12. 3-7)*

داد فرخ- فرخ زروان حکمی بر این مبنا بیان کرده است، که اگر زن گوهرین/ معاوضه کند، شوهر <در مهلت> سه شبانه‌روزی <حق فسخ> زن حاضر شود و موافقت کند، چنانچه <مهلت> سه شبانه‌روزی زن بگذرد، معامله انجام‌شده محسوب می‌شود.

دادفرخ، فقیه مفسر، در ادامه با مثالی این حکم را بدین گونه تفسیر می‌کند:

اگر زن گوسفندی را برای نگهداری بپذیرد و شوهر در مهلت سه شبانه‌روزی حق فسخ زن حاضر شود و موافقت کند، چنانچه مهلت سه شبانه‌روزی به پایان برسد، تعهد نگهداری گوسفند تحقق می‌یابد [۹، ص ۳۰۶-۳۰۷].

بنابراین، زن در گوهرین کردن می‌توانست مهلت سه شبانه‌روزی را برای جلب حمایت شوهر به دست آورد. هرچند قانون‌گذار تأکید بر موافقت و همراهی شوهر را در امر معاوضه مورد توجه قرار می‌دهد، در صورت حضورنداشتن شوهر برای موافقت، بعد از سه شب آن گوهرین/ معاوضه جنبه رسمی پیدا می‌کند و حضور و موافقت شوهر الزامی نیست.

اما سومین حکم، بعد دیگری از گوهرین کردن، این معاوضه حقوقی را بر ما روشن می‌کند. در این حکم، از آغاز قصد گوهرین/ معاوضه در کار نیست، باید مبلغی و دارایی یا بدهی در یک معامله تجاری پرداخت شود. بدهکار اظهار می‌کند که اگر در روز مشخص‌شده نتواند به عهد خود عمل کند، در ازای آن، طرف مقابل می‌تواند دارایی دیگری را از او بگیرد. گفت‌وگو در ارتباط با تفاوت قیمت آن زمین به هنگام بستن قرارداد، که محصول در آن نبوده، و در زمانی که بستنکار آن را می‌خواهد زمین به محصول نشسته، ادامه می‌یابد:

*ān xwāstag andar ān ē (9) ka paymān kard bar pad-iš nē būd ud ān drahm
freh nē arzist <N. guft> kū nūn gōhrēn ōwōn bawēd (10) čiyōn andar ān ē būd.
nē arzist <N. guft> kū nūn gōhrēn ōwōn bawēd (10) čiyōn andar ān ē būd.
syāwaxš guft kū bar be nē šawēd ēd čē ka ōwōn xwāstag pad (11) arz ī
13 frāy hamē gīrēd (MHD54.8-12).*

از آن دارایی در هنگام پیمان بستن <هیچ> درآمدی نبود و بیشتر آن <مقدار> درهم نمی‌ارزیده است.

گفته شده است که اکنون معاوضه باید آن‌گونه باشد که در هنگام آن (= پیمان بستن) بود.

سیاوش گفت، درآمد دارایی نباید <حساب> شود، چون در شرایط عکس، او (= طلبکار) باید ۱۳ <درهم> بیش از ارزش دارایی <موضوع پیمان‌نامه> همی‌گیرد.

پس، گوهرین کردن گاهی به منظور گروهی در معاملات تجاری به‌کار می‌رفته است و در قراردادهای قید می‌شده که چنانچه یکی از طرفین نتواند از عهدهٔ تعهد خود برآید، باید با یک دارایی معادل آن تعهد گوهرین کند. به‌نظر می‌رسد در گوهرین یا تعویضی که در ازای تعهد باید انجام شود، زنان دخالت نمی‌کردند.

نتیجه‌گیری

گوهرین، اصطلاح حقوقی که معاوضه، عوض، مبادله معنی می‌شود، همان مفهوم دادوستد در تجارت را دارد. دو حکم مندرج در مجموعهٔ هزارفتوی نشان می‌دهد که زنان در این‌گونه مبادلات خبره بودند و می‌توانستند به نمایندگی از شوهر در این عرصه فعال باشند. این نوع تجارت نه‌تنها منع قانونی برای زنان نداشته، بلکه مجوز قانونی برای انجام‌دادن مبادله به‌آنها داده می‌شده است. به نظر می‌رسد گوهرین/معاوضه یک فعالیت اقتصادی زنانه است، برای کمک به معیشت خانواده.

آنچه مشخص است، قانون‌گذار جنبهٔ نظارتی بر قوانین تصویبی دارد و در جزئیات دخالت نمی‌کند. هر قراردادی، در چارچوب قانون، می‌تواند شروطی در راستای توافق طرفین داشته باشد. تأکید قانون بر اجازه‌دادن یا مطلع‌بودن شوهر از امر گوهرین کردن زن، پیوسته توجه زن را بر اولویت نخست او، یعنی خانواده، جلب می‌کند.

کارکرد گوهرین در حکم سوم، به‌عنوان گروهی یا عوض، مطرح است؛ ممکن است فردی با اطمینان به دارایی یا زمینی که دارد، وارد معامله‌ای شود و در آن معامله پولی پرداخت نکنند، اما زمانی تعیین کند برای پرداخت بدهی خود؛ و در قرارداد تعهد کند چنانچه در زمان مقرر موفق به پرداخت بدهی خود نشود، آن زمین یا دارایی را در ازای بدهی گوهرین کند. قانون‌گذار در این‌گونه موارد تأکید بر هم‌ارزش‌بودن معاوضات دارد و خواستار محاسبهٔ تفاوت قیمت در موارد گوهرین است.

نکات حقوقی، اجتماعی و اقتصادی این احکام عبارت‌اند از:

۱. حضور تأثیرگذار زن در جامعه در نقش یک فعال اقتصادی به‌عنوان نمایندهٔ شوهر؛
۲. صدور مجوز قانونی فعالیت زن در عرصهٔ اجتماعی-اقتصادی، هنگامی که شوهر او را نمایندهٔ خود نکرده باشد؛

۳. مشخص کردن نرخ سود مجاز؛
 ۴. فسخ گوهرین؛
 ۵. دادن حق فسخ سه شبانه‌روز (۷۲ ساعته) به طرفین مبادله؛
 ۶. قانون‌گذار خواستار تأمل در قانونی است که به طرفین معامله اجازه فسخ معاوضه را می‌دهد، اما به شوهر (= مجوزدهنده اصلی) این اجازه داده نمی‌شود. در پایان، توجه داوران را به وضعی جلب می‌کند، اگر موردی پیدا شد، که شوهر/اجازه‌دهنده از مبادله انجام‌شده راضی نباشد، نارضایتی او بررسی شود؛
 ۷. زن اگر در نبود شوهر/بی‌اطلاع از او گوهرین/معاوضه می‌کرد، می‌توانست از امتیاز مهلت سه شبانه‌روزی برای رضایت و همراهی او استفاده کند؛
 ۸. احتیاط قانون‌گذار در تأکید بر موافقت و حمایت شوهر؛
 ۹. چنانچه مهلت سه شبانه‌روزی به پایان برسد، آن معاوضه یا گوهرین رسمیت پیدا می‌کند؛
 ۱۰. گوهرین کردن می‌توانست نقش گروی در دادوستد تجاری داشته باشد؛
 ۱۱. عدم حضور زن در گوهرین/معاوضه‌ای که به جای تعهد/تضمین انجام می‌شود؛
 ۱۲. اهمیت قانون‌گذار به هم‌ارزش بودن موارد قابل تعویض.
- قوانین گوهرین کردن نه تنها حضور زنان دوره ساسانی را در عرصه اجتماعی-اقتصادی به رسمیت می‌شناسد، بلکه زمینه به ظهور رساندن خلاقیت آن‌ها را نیز فراهم می‌کند. اهمیت این احکام از نظر احترام به شخصیت حقوقی زنان در جامعه مدنی بسیار ارزشمند است. تأمین آرامش و فراهم آوردن زمینه‌های خودباوری و توانمندی برای زنان، در جهت استحکام و آرامش خانواده پیش می‌رود.
- با این احکام، تصویری روشن از جامعه‌ای پویا، هدفمند، امیدوار و قانونمند در اذهان نقش می‌بندد؛ جامعه‌ای که منتظر نمی‌ماند که حکمی نوشته شود تا تابع قانون باشد، بلکه خود چنان در روابط اجتماعی-اقتصادی به عدالت و انصاف رفتار می‌کند که حقوق دانان روابط حاکم در جامعه را به صورت قانون مدون درمی‌آورند. در واقع، قضات از آداب و رسوم و عرف، در تنظیم حقوق روابط اجتماعی-اقتصادی بهره می‌گیرند. وقتی روابطی در این راستا مورد علاقه و اطمینان مردم قرار می‌گیرد، قانون‌گذار آن را در قالب یک حکم بیان می‌کند.

منابع

- [۱] آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد (۱۳۷۵). *زبان پهلوی (ادبیات و دستور آن)*، تهران: معین، چ ۲.
- [۲] _____ (۱۳۸۸). *کتاب پنجم دینکرد*، تهران: معین، چ ۲.
- [۳] ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۹). *ریشه‌شناسی*، تهران: ققنوس، چ ۲.

- [۴] بارتلمه، کریستیان (۱۳۳۷). زن در حقوق ساسانی، ترجمهٔ ناصرالدین صاحب‌الزمانی، تهران: عطائی.
- [۵] تفضلی، احمد (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات پیش از اسلام*، تهران: سخن، چ ۵.
- [۶] جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰). *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گلشن.
- [۷] راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵). *وزیدگی‌های زاداسپریم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۸] شهزادی، رستم (۱۳۶۵). *قانون مدنی زردشتیان در زمان ساسانیان*، تهران.
- [۹] عریان، سعید (۱۳۹۱). *مادیان هزار دادستان*، تهران: علمی.
- [۱۰] فرهوشی، بهرام (۱۳۴۶). *فرهنگ پهلوی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- [۱۱] کاکاافشار، علی (۱۳۸۳). «مادگان هزار دادستان / کتاب هزاررأی (۸)»، *مجلهٔ کانون وکلا*، ش ۱۸۶ و ۱۸۷، ص ۱۹۰-۲۱۳.
- [۱۲] کشاورز، بهمن (۱۳۷۰). *فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- [۱۳] مظاهری، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *خانوادهٔ ایرانی در دوران پیش از اسلام*، ترجمهٔ عبدالله توکل، تهران: قطره، چ ۲.
- [۱۴] میرفخرایی، مهشید (۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۱۵] _____ (۱۳۹۰). *روایت پهلوی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۱۶] _____ (۱۳۹۳). *بررسی دینکرد ششم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ.
- [17] Anklesaria, T. D. 1976: *The social code of the Parsees in Sasanian times: or, The Madigan-i-Hazar Dadistan*, (Reprint of the Bombay 1912 ed), Imperial Organization for Social Services.
- [18] Anklesaria, T.D. (ed.), 1976: *The Dadistan-i Dinik*, part I, pūrsishn I-XL. Shiraz.
- [19] Bulsara, S. J. 1937: *The Laws of the Ancient Persians as Found in the Mâtikân ê HazârDâtastân*, Bombay.
- [20] Jaafari-Dehaghi. M., 1998, *Dâdestân ī Dēnīg*, Part I, Paris.
- [21] Kotwal. Firoze M.- Kreyenbroek. Philip G., 2003: *The Hērbedestân and Nērangestân*, vol. 3, Paris.
- [22] Mackenzie, D.N., 1971: *A Concise Pahlavi Dictionary*, London.
- [23] Macuch, M., 1981: *Das sasanidische Rechtsbuch Mâtakdân i hazâr Dâtistân (Teil II)*, Wiesbaden.
- [24] Modi, J. J. 1901: *Mâdigân-î HazârDâdistân. A Photozincographed Facsimile of a Ms. belonging to the Mânockji Limji Hoshang Hâtâria Library in the Zarthoshti Anjuman Âtashbeharâm*, Poona.
- [25] Perixanian, A., 1973: *Sasanidskii sudebnik*, Yerevan.
- [26] Perikhanian, Anahit, 1997: *The book of A Thousand Judgments*. tr. Nina Garosian. ersian Heritage Seres 39.